

سرشناسه : کیخواه نژاد، راضیه.
 عنوان و نام بدیدآور : متمسکین به ثقلین جلد اول، نویسنده راضیه کیخواه نژاد.
 مشخصات نشر : قم: عصر جوان، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۳۶۲ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۳-۰۸۸-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : ثقلین
 موضوع : سیره معصومین
 موضوع: تاریخ جهان اسلام
 رده بندی کنگره : ۴ / ۱۶۷ BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۱۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۷۲۰۸۷۹

شناسنامه

عنوان: متمسکین به ثقلین (جلد اول)
 مؤلف: راضیه کیخواه نژاد
 صفحه آرا: جواد واعظی
 طراح جلد: استودیو جوانه
 ناشر: عصر جوان
 چاپ: زمزم
 نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۹
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۳-۰۸۸-۴
 قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان



مرکز پخش:

[قم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۶۷]
 [تلفن: ۳۷۷۳۰۰۳۷ - ۰۲۵ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۸۴۸۰]

متمسکین به ثقلین

جلد اول

مولا اگر نبود ولایت نداشتیم
روز حساب باب شفاعت نداشتیم

وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي.
اگر تو یا علی (علیه السلام) بعد از من میان اتم نبودی اهل
ایمان به مقام معرفت نمی رسیدند. (دعای ندبه)

نویسنده:

راضیه کیخواه نژاد

جزء اول تا پنجم

تقدیم به:

چهارده نور پر فروغ هستی، پیامبر خدا ﷺ
و اهل بیت پاک مصطفی ﷺ و وصی و جانشین بر حقش

امام عاشقان علی بن ابیطالب (علیه السلام)

مونس تنهایی علی (علیه السلام) و دختر با وفای پیغمبر ﷺ

بانوی نمونه اسلام، مادر حسنین (علیهما السلام) و سیدالشهدا (علیه السلام)

و آن غایب از نظرها حضرت مهدی (علیه السلام)

و غنچه‌ی شکفته گلستان آل محمد ﷺ

حضرت محسن بن علی بن ابیطالب (علیه السلام)

فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار.....
۱۵	نعمتِ شکر.....
۲۷	مقدمه.....
۳۴	۱- آیه ۶ سوره فاتحه.....
۳۴	فضایل امام علی (علیه السلام) از زبان عالم اهل سنت.....
۳۵	۲- آیه ۱۰ سوره بقره.....
۳۶	حکایت شنیدنی معجزه امیرالمؤمنین (علیه السلام) از یکی از دراویش.....
۳۹	ماجرای علی حلاوی.....
۴۲	۳- آیه ۲۸ سوره بقره.....
۴۴	اعتراف شیطان به مقام امیرالمؤمنین (علیه السلام).....
۴۵	۴- آیه ۳۷ سوره بقره.....
۴۶	گریه حضرت آدم بر امام حسین (علیه السلام).....
۴۷	۵- آیه ۴۰ سوره بقره.....
۴۸	۶- آیه ۵۷ سوره بقره.....
۴۹	توصیف پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از ولایت امیرالمؤمنین و شهادت نامه حضرت زهرا (س).....
۵۱	باب جبرئیل و علامه امینی.....
۵۲	۷- آیه ۵۸ سوره بقره.....
۵۳	باب حظه و شهادت نامه حضرت زهرا (س).....
۵۴	۸- آیه ۶۴ سوره بقره.....

- ۹- آیات ۷۵ تا ۷۷ سوره بقره..... ۵۶
- سخن زیبای جورج جرداق مسیحی در توصیف امیرالمؤمنین (علیه السلام)..... ۵۸
- ۱۰- آیه ۸۱ سوره بقره..... ۶۳
- لشکرکشی مِثْرَة بن قیس برای ویران کردن قبر مولا علی (علیه السلام)..... ۶۴
- ۱۱- آیه ۸۷ سوره بقره..... ۶۶
- سفره احسان امام حسن مجتبی (علیه السلام)..... ۶۶
- ۱۲- آیه ۸۹ سوره بقره..... ۶۸
- ۱۳- آیه ۱۰۵ سوره بقره..... ۶۹
- ثواب گریه بر اباعبدالله الحسین (علیه السلام)..... ۷۰
- ۱۴- آیه ۱۰۹ سوره بقره..... ۷۱
- ثواب یک شمشیر زدن علی (علیه السلام) در جنگ اُحد و ماجرای علامه جعفری (رحمته الله علیه)..... ۷۲
- ۱۵- آیه ۱۲۴ سوره بقره..... ۷۶
- گریه پیامبران الهی بر اباعبدالله الحسین (علیه السلام)..... ۷۷
- اعتراف زنی از طائفه جن به پذیرفتن ولایت علی (علیه السلام) (حدیث کساء)..... ۸۲
- ۱۷- آیه ۱۳۸ سوره بقره..... ۸۴
- مهمترین اصل اسلام چیست؟..... ۸۴
- ۱۸- آیه ۱۴۳ سوره بقره..... ۸۶
- داستان شنیدنی مرد یهودی..... ۸۷
- ۱۹- آیه ۱۴۸ سوره بقره..... ۸۹
- ایمان آوردن رهبر مسیحیان به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)..... ۸۹
- ۲۰- آیه ۱۵۵ سوره بقره..... ۹۲
- توصیف یاران امام زمان (عج)..... ۹۲
- ۲۱- آیه ۱۷۳ سوره بقره..... ۹۴
- توصیف دوران غیبت..... ۹۴
- ۲۲- آیه ۱۷۸ سوره بقره..... ۹۵

- ۹۶..... دو قاتل یک مقتول
- ۹۸..... ۲۳- آیه ۱۸۵ سوره بقره
- ۹۹..... سخنان دلنشین پیامبر ﷺ از ثواب پذیرفتن ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۱۰۱..... ۲۴- آیه ۱۸۹ سوره بقره
- ۱۰۲..... فضائل علی (علیه السلام) از زبان پیامبر ﷺ
- ۱۰۳..... ۲۵- آیه ۱۹۵ سوره بقره
- ۱۰۴..... محبت و دوستی علی (علیه السلام) و جواز بهشت
- ۱۰۵..... ۲۶- آیه ۲۰۱ سوره بقره
- ۱۰۵..... پذیرفتن ولایت علی (علیه السلام) و جواز بهشت
- ۱۰۷..... ۲۷- آیه ۲۰۸ سوره بقره
- ۱۰۸..... فضائل امیرالمؤمنین از زبان پیامبر ﷺ
- ۱۱۱..... ۲۸- آیه ۲۱۳ سوره بقره
- ۱۱۱..... اوصاف علی (علیه السلام) از زبان پیامبر اکرم ﷺ در شب معراج
- ۱۱۷..... ۲۹- آیه ۲۱۸ سوره بقره
- ۱۱۸..... ثواب زیارت اباعبدالله الحسین
- ۱۲۱..... ۳۰- آیه ۲۲۹ سوره بقره
- ۱۲۲..... فضائل فاطمه (س) در قیامت از زبان رسول الله ﷺ
- ۱۲۴..... ۳۱- آیه ۲۳۱ سوره بقره
- ۱۲۴..... فضائل پیامبر از زبان حضرت خضر و موسی (علیه السلام)
- ۱۲۶..... ۳۲- آیه ۲۳۷ سوره بقره
- ۱۲۷..... ما از عهده این نیروی مرموز بر نمی آیم!
- ۱۴۲..... ۳۳- آیه ۲۴۵ سوره بقره
- ۱۴۳..... ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام)
- ۱۴۵..... ۳۴- آیه ۲۴۸ سوره بقره
- ۱۴۶..... فضائل علی (علیه السلام) از زبان مبارک خودشان

- ۳۵- آیه ۲۵۱ سوره بقره ۱۵۶
- شب معراج پیامبر ﷺ ۱۵۶
- ۳۶- آیه ۲۵۶ سوره بقره ۱۵۷
- روایت شنیدنی سلمان فارسی از فضائل امیرالمؤمنین ﷺ ۱۵۸
- ۳۷- آیه ۲۵۷ سوره بقره ۱۵۹
- حاجگاه محب علی ﷺ ۱۵۹
- ۳۸- آیه ۲۶۰ سوره بقره ۱۶۰
- امام صادق ﷺ و چهار پرندۀ ذبح شدۀ حضرت ابراهیم ﷺ ۱۶۱
- ۳۹- آیه ۲۶۹ سوره بقره ۱۶۲
- ابلیس و محبت اهل بیت ﷺ ۱۶۲
- ۴۰- آیه ۲۷۴ سوره بقره ۱۶۴
- لواء حمد ۱۶۴
- ۴۱- آیه ۲۸۰ سوره بقره ۱۶۶
- بخشش و سخاوت امام حسن مجتبیٰ ﷺ ۱۶۷
- ۴۲- آیه ۲۸۲ سوره بقره ۱۶۸
- امام مبین کیست؟ ۱۶۹
- ۴۳- آیه ۲۸۵ سوره بقره ۱۷۰
- مثل علی ﷺ مثل سوره توحید و ماجرای غسل غلام آل نجار توسط پیامبر ﷺ ۱۷۰
- ۴۴- آیه ۷ سوره آل عمران ۱۷۲
- معجزه امیرالمؤمنین ﷺ و ماجرای سلمان فارسی ۱۷۳
- ۴۵- آیه ۱۸ سوره آل عمران ۱۷۶
- معجزه علی ﷺ و جبرئیل امین ﷺ ۱۷۷
- ۴۶- آیه ۲۶ سوره آل عمران ۱۷۹
- نعمت عظیم ولایت از زبان امام صادق ﷺ ۱۷۹
- ۴۷- آیات ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران ۱۸۱

- فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) توسط حق تعالی و روضه حضرت علی (علیه السلام) ۱۸۱
- ۴۸- آیه ۴۲ سوره آل عمران ۱۸۴
- اعتراف حضرت آدم و حوا به برتری امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۸۴
- ماجرای مصطفی چاقوکش ۱۸۷
- ۴۹- آیه ۴۹ سوره آل عمران ۱۸۸
- شفای ابابصیر توسط امام باقر (علیه السلام) ۱۸۹
- محبت اهل بیت (علیهم السلام) ۱۸۹
- کرامت ابوالفضل (علیه السلام) ۱۹۱
- ۵۰- آیه ۶۱ سوره آل عمران ۱۹۳
- ساخت کشتی حضرت نوح (علیه السلام) و نام پنج تن آل عبا (علیهم السلام) ۱۹۳
- ۵۱- آیه ۶۸ سوره آل عمران ۱۹۵
- ثواب صلوات بر آل محمد (علیهم السلام) ۱۹۶
- ۵۲- آیه ۷۷ آل عمران ۱۹۸
- گواهی یوسف پیامبر (علیه السلام) به زیبایی رسول الله (صلی الله علیه و آله) ۱۹۸
- بخشش پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۱۹۹
- ۵۳- آیه ۸۳ سوره آل عمران ۲۰۰
- جنگ تبوک و فضیلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۲۰۰
- ۵۴- آیه ۸۵ سوره آل عمران ۲۰۳
- جایگاه دشمن علی (علیه السلام) در قیامت و فضایل علی (علیه السلام) در قیامت ۲۰۳
- ۵۵- آیه ۹۷ سوره آل عمران ۲۰۵
- پذیرفتن ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) توسط حضرت موسی (علیه السلام) و روایت حفص ۲۰۶
- ۵۶- آیه ۱۰۳ سوره آل عمران ۲۱۱
- اعتراف درخت خرما به ولایت علی (علیه السلام) ۲۱۲
- ۵۷- آیه ۱۱۲ سوره آل عمران ۲۱۴
- مطالبه ارث توسط عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۲۱۴
- ۵۸- آیه ۱۲۱ آل عمران ۲۱۷

- ۲۱۷..... مسلمان شدن زن مسیحی
- ۲۱۹-۵۹-آیه ۱۲۸ آل عمران.....
- ۲۱۹..... ثوبان غلام پیامبر اکرم و محبت علی (علیه السلام)
- ۲۲۱-۶۰-آیه ۱۳۵ سوره آل عمران.....
- ۲۲۲..... فضائل پیامبر (صلی الله علیه و آله) از زبان ابو جهل
- ۲۲۳..... شهادتین نوزاد.....
- ۲۲۴-۶۱-آیه ۱۴۴ سوره آل عمران.....
- ۲۲۵..... غسل پیامبر و امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۲۲۹..... ماجرای هفت استغاثه.....
- ۲۳۰-۶۲-آیه ۱۵۱ سوره آل عمران.....
- ۲۳۱..... برادران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چه کسانی هستند؟
- ۲۳۲-۶۳-آیه ۱۵۷ سوره آل عمران.....
- ۲۳۲..... اعتراف عمر به فضائل علی (علیه السلام)
- ۲۳۴..... ماجرای داش منصور.....
- ۲۳۶-۶۴-آیات ۱۶۲، ۱۶۳ سوره آل عمران.....
- ۲۳۶..... هدیه امام رضا (علیه السلام) به دعبل خزاعی.....
- ۲۴۲-۶۵-آیه ۱۷۰ سوره آل عمران.....
- ۲۴۲..... ثواب زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)
- ۲۴۵-۶۶-آیه ۱۷۷ سوره آل عمران.....
- ۲۴۶..... ماجرای منکر اهل بیت (علیهم السلام)
- ۲۵۱-۶۷-آیه ۱۸۵ سوره آل عمران.....
- ۲۵۲..... دشمنی با حضرت علی (علیه السلام)
- ۲۵۸-۶۸-آیات ۱۹۳ و ۱۹۴ سوره آل عمران.....
- ۲۵۹..... فضائل امیرالمؤمنین از زبان مبارکشان.....
- ۲۶۱-۶۹-آیه ۲۰۰ سوره آل عمران.....
- ۲۶۲..... معجزه امام حسن عسکری (علیه السلام) در نزول باران.....

- ۷۰- آیه ۱ سوره نساء ۲۶۳
- نازل شدن لقب امیرالمؤمنین (علیه السلام) از جانب حق تعالی ۲۶۴
- ثواب یک نفس علی (علیه السلام) در شب لیلۃ المیت ۲۶۵
- ۷۱- آیه ۱۰ سوره نساء ۲۶۹
- داستان نباش کفن دزد ۲۷۰
- ۷۲- آیه ۱۴ سوره نساء ۲۷۳
- لقب باب الحوائجی حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ۲۷۴
- ماه بنی هاشم ۲۷۷
- ۷۳- آیه ۱۷ سوره نساء ۲۷۹
- علامه بحر العلوم و ثواب زائر اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ۲۷۹
- ۷۴- آیه ۲۶ سوره نساء ۲۸۲
- حدیث کساء از زبان عایشه ۲۸۲
- ۷۵- آیه ۳۳ سوره نساء ۲۸۴
- آتش دنیا و آخرت برای آهنگر سرد شد ۲۸۴
- ۷۶- آیه ۳۶ سوره نساء ۲۸۷
- اویس قرن و بخشش شیعیان علی (علیه السلام) ۲۸۸
- ۷۷- آیه ۴۱ سوره نساء ۲۸۹
- معجزه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و زید نساج ۲۸۹
- ۷۸- آیه ۴۸ سوره نساء ۲۹۲
- زنی که ۲۰ قتل انجام داد ۲۹۳
- معاویّه بالای منبر و دشنام به علی (علیه السلام) ۲۹۸
- ۷۹- آیه ۵۹ سوره نساء ۲۹۹
- اقت آخرالزمان از زبان امام صادق (علیه السلام) ۳۰۰
- ۸۰- آیه ۶۵ سوره نساء ۳۰۱
- دعبل خزاعی و اعتراف جن به ولایت علی (علیه السلام) ۳۰۱

- ۸۱- آیات ۷۱ الی ۷۳ سوره نساء ۳۰۴
- داستان بحران و اعتراف به نبوت پیامبر اکرم ﷺ ۳۰۵
- اجازه گرفتن عزرائیل بر ای ورود به خانه پیامبر اکرم ﷺ ۳۰۶
- ۸۲- آیه ۷۷ سوره نساء ۳۰۷
- امام سجاد علیہ السلام و دفن پدر بزرگوارشان اباعبدالله الحسین علیہ السلام ۳۰۸
- ۸۳- آیه ۸۳ سوره نساء ۳۰۹
- داستان مسیب ناصبی ۳۱۰
- ۸۴- آیه ۹۰ سوره نساء ۳۱۱
- داستان احمد بن حمدون عدوی ۳۱۲
- ۸۵- آیه ۹۳ سوره نساء ۳۱۴
- شهادت سعید بن جبیر ۳۱۵
- ۸۶- آیه ۱۰۰ سوره نساء ۳۱۶
- آیه الله العظمی حجت و دیدن علی علیہ السلام در لحظه احتضار ۳۱۷
- ۸۷- آیه ۱۰۵ سوره نساء ۳۲۰
- حکایت ابودرداء و قضاوت حضرت علی علیہ السلام ۳۲۰
- ۸۸- آیه ۱۰۸ سوره نساء ۳۲۵
- معاویة و حسادتش به علی علیہ السلام ۳۲۵
- ۸۹- آیه ۱۱۶ سوره نساء ۳۲۶
- ملاقات حضوری شیخ محمد تقی جعفری با امیرالمؤمنین علیہ السلام ۳۲۷
- ۹۰- آیه ۱۲۵ سوره نساء ۳۲۹
- آیه الله خوانساری و دیدن حضرت علی علیہ السلام ۳۳۰
- ۹۱- آیه ۱۲۹ سوره نساء ۳۳۱
- قاسم کشاورز و دیدن حضرت علی علیہ السلام ۳۳۱
- ۹۲- آیه ۱۳۷ سوره نساء ۳۳۳
- دشمنان علی علیہ السلام مشکل جدی دارند ۳۳۴

۳۳۵.....	۹۳- آیه ۱۴۵ سوره نساء
۳۳۶.....	آزمایش مردم شام
۳۳۷.....	۹۴- آیه ۱۵۰ سوره نساء
۳۳۷.....	ملقب شدن حضرت علی علیه السلام به امیرالمؤمنین
۳۴۲.....	۹۵- آیه ۱۵۵ سوره نساء
۳۴۳.....	اعتراف معاویه به برجا بودن نام علی علیه السلام با قرآن
۳۴۶.....	۹۶- آیات ۱۶۶ الی ۱۶۹ سوره نساء
۳۴۷.....	نام حضرت علی علیه السلام اسم اعظم
۳۴۹.....	۹۷- آیه ۱۷۴ سوره نساء
۳۴۹.....	سرد شدن آتش آخرت بر محب واقعی حضرت علی علیه السلام
۳۵۳.....	منابع و مأخذ

پیشگفتار

«الْحَمْدُ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْثَمَةُ الْأَطْهَارِ».

(شکر و سپاس خداوند را که قرار داد ما را از متمسکین به ولایت علی (علیه السلام) امیر مؤمنان و فرزندان مطهر ایشان)

نعمتِ شکر

وصف حکمتی که خداوند متعال به جناب لقمان بخشیده، در آیات و روایات، مکرّر به چشم می‌خورد. همچنین سخنان و مواعظ ایشان در قرآن - معجزه جاوید پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان شده است. این امر، اهمّیت و شرافت حکمتی را که خدا به جناب لقمان بخشیده، نشان می‌دهد. پس مناسب است که این حکمت را از کتاب و سنت شناسایی کنیم:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ»^۱

ما به لقمان حکمت عطا کردیم که خدا را شکر کن. و کسی که شکرگزار باشد، صرفاً به نفع خودش شکر کرده است. و هرکسی کفران کند، خداوند،

۱. مفاتیح الجنان، عباس قمی، اعمال روز غدیر.

۲. لقمان، آیه ۱۲.

بی نیاز و درخور ستایش است.

خداوند در این آیه فرموده است که ما به لقمان «حکمت» عطا کردیم و خود در تفسیر حکمت، تعبیر «أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ» را آورده است. این نحوه‌ی بیان، به زیبایی هر چه تمام‌تر، هم موهبت الهی به لقمان و هم نحوه‌ی عطای آن را توضیح می‌دهد. «خدا را شکر کن» چگونه قابل بخشش است؟ مسلماً به صِرَفِ گفتن و امر کردن، این بخشش صورت نمی‌گیرد. امر به شکر کردن، در مورد کسی مفید و نافذ است که در مرتبه‌ای از معرفت و عقل و فهم باشد که هم اهمّیت آن امر را بشناسد و هم حُسن آن را تا حدّ وجوب عمل به آن تشخیص دهد. در آن صورت، چه بسا اصلاً نیازی به گفتن و امر کردن نباشد و او با همان عقل و فهم عطا شده، به ضرورت شکر خداوند برسد.

در بیان همین آیه مبارکه از امام موسی بن جعفر روایت شده که خطاب به هشام فرمودند: «يَا هُشَامُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى... قَالَ: وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ قَالَ: الْفَهْمُ وَالْعَقْلُ»

یعنی منظور از حکمت عطا شده به لقمان در آیه شریفه، «فهم» و «عقل» است. به این ترتیب نحوه‌ی اعطای «خدا را شکر کن» به لقمان فهمیده می‌شود. در حقیقت، خدای متعال، فهم و عقل و معرفتی به او بخشید، تا به برکت آن، خود تشخیص دهد که باید خدا را شکر کند. او در این کار، احتیاج به امری که امثال آن برایش مشکل و تکلف‌آور باشد، نداشته باشد.

نکته‌ی ظریفی که در ظاهر این آیه باید مورد توجّه قرار گیرد، کلمه‌ی «آتینا» است. خدای سبحان می‌فرماید: «حکمت را ما دادیم» پس معلوم

می‌شود که باید لطف خدا شامل حال انسان شود تا یاد بگیرد که «شکر» خدا را به جای آورد و این فهم شکر، چیزی نیست که هر کس به اختیار خودش بتواند به آن نائل شود. بلکه این لطف خداست که انسان به حدی از فهم و عقل برسد که بفهمد، باید خدا را شکر کند و بدین ترتیب از درجه حیوانیت عبور کرده، به مرتبه‌ی واقعی انسانیت برسد. از اینجا معلوم می‌شود که مسئله شکر خدا و رسیدن انسان به درجه فهم آن، چه اندازه اهمیت دارد. چرا که همه حکمت در این امر خلاصه شده و خدای متّان، به خاطر این لطف و احسان، بر جناب لقمان، منت نهاده است. بنابراین باید موضوع «شکر خداوند» بسیار جدّی و اساسی تلقی شود و نباید به عنوان یک حکم فرعی و جزئی، به آن نگاه کرد^۱.

پایه و اساس شکر خداوند این است که انسان در بندگی او اخلاص داشته باشد و در هیچ شرایطی به خضوع در غیر پیشگاه خدا راضی نشود. چنین کسی می‌تواند به مرتبه شکر پروردگار نایل شود. در حقیقت، شکر، از اعتقاد عمیق به توحید برمی‌خیزد و هر مقدار این اعتقاد در انسان ضعیف‌تر باشد، کمتر شکرگزار خدا خواهد بود. در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»^۲ خدا را شکر کنید اگر فقط او را بندگی می‌کنید.

یعنی لازمه‌ی اینکه انسان فقط خدا را عبادت کند، این است که او را شکر کند. «عبادت» منتهای خضوع و اطاعت محض از معبود است.

پیامبر اسلام و اهل بیت گرامی ایشان - که مربیان توحید هستند - در ابتدای هر کاری لب به ثنای الهی گشوده و خدا را حمد نموده، و اهمیت و

۱. نعمت امامت (علیه السلام)، سید محمد نبی هاشمی، ص ۱۶-۱۷.

۲. سوره بقره آیه ۱۷۲.

راه شکرگزاری او را به ما آموزش داده‌اند. امام سجّاد (علیه السلام) صحیفه‌ی سجّادیه را با حمد و ستایش خدای یکتا آغاز نموده‌اند در فرازی از این دعا آمده است: حمد، مخصوص خدایی است که اگر شناخت حمد و سپاسگزاری خود را نسبت به عطایای پی‌درپی خود - که وسیله آزمایش آنهاست - و نیز نعمت‌های پیوسته‌ای که بر ایشان به‌طور کامل ارزانی داشته، محروم می‌ساخت در آن صورت از مواهب و نعمت‌های الهی استفاده می‌کردند، اما خدا را حمد نمی‌کردند و در روزی‌اش گشایش می‌یافتند (با فراخی و وسعت، از رزق و روزی خدا استفاده می‌کردند) ولی شکر او را به‌جا نمی‌آوردند. و اگر چنین بودند آن‌وقت از مرزهای انسانیت خارج شده، به جرگه چهارپایان می‌رفتند و آن‌گونه می‌شدند که خدا در کتاب محکم خود «قرآن» وصف کرده است: «آنها نیستند مگر چون چهارپایان بلکه گمراه‌تر از آنان»^۱ و حمد و سپاس خدای را که خود را به ما شناسانده و شکر خود را به ما الهام نموده است.^۲

از بیان نورانی امام سجّاد (علیه السلام) می‌فهمیم که اگر خدای متعال، فهم و شناخت «حمد» خودش را به بندگان عطا نکرده بود آن‌ها از این نعمت بزرگ محروم می‌ماندند. پس اینکه انسان بفهمد و عقلش برسد که باید خدا را حمد کند اکتسابی نیست و مانند همه معرفت‌های دیگر، صنع خود خداست و اگر خدا باب حمد خودش را بر بندگان نمی‌گشود تا آن‌ها بفهمند که باید او را شکر کنند، این باب برای همیشه بسته می‌ماند. البتّه حمد کردن، فعل

۱. صحیفه سجّادیه، دعای اوّل.

۲. سوره فرقان، آیه ۴۴.

۳. صحیفه سجّادیه، دعای اوّل.

اختیاری ماست، ولی معرفت حمد، صنع خداست. تا این معرفت برای ما حاصل نشود، زمینه‌ای برای حمد اختیاری ما به وجود نمی‌آید.^۱

می‌دانیم که ایمان سه مرحله دارد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»^۲ ایمان عبارت است از معرفت قلبی، اقرار زبانی و عمل به جوارح. نیز می‌دانیم که شکر، نیمی از ایمان است. لذا مراحل این رکن مهم ایمان، متناظر با مراحل ایمان است. پس اظهار نعمت، سه مرحله دارد: اظهار قلبی، اظهار زبانی و اظهار عملی. هر کدام از این مراحل مرتبه‌ای از شکر است که با هر یک از مراحل ایمان تناظر دارد.^۳

انسان برای اینکه بتواند در وادی شکر پروردگار قدم گذارد، در درجه‌ی اول باید نعمت شناس باشد، یعنی بداند خداوند چه نعمتهایی را بر بندگانش ارزانی داشته است و از «نعمت» بودن آنها غافل نباشد. البته نعمتهای الهی، سراسر وجود مخلوقات را فرا گرفته است. ولی خداوند متعال، برخی از نعمتهای خویش را نسبت به برخی دیگر، برتر قرار داده و کوتاهی کردن از شکر آنها را به هیچ عنوان جایز نشمرده است و تصریح فرموده که از انسانها درباره آن سؤال می‌فرماید. «لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» در آن روز (قیامت) از نعمت، مورد سؤال قرار می‌گیرید.

نعمتی که روز قیامت مورد پرسش پروردگار قرار می‌گیرد به تصریح مفسران معصوم قرآن، نعمت وجود اهل بیت (علیهم السلام) است. امیرالمؤمنین علی

۱. نعمت امامت (علیه السلام)، سید محمد نبی هاشمی، ص ۲۲.

۲. نهج البلاغه حکمت ۳۱۸.

۳. نعمت امامت (علیه السلام)، سید محمد نبی هاشمی، ص ۳۸.

۴. نکات، آیه ۸.

علیه السلام در بیان این نعمت می فرماید: «نَحْنُ النَّعِيمُ، ما نعمت هستیم»^۱. و نیز امام صادق تصریح فرموده اند: «نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ النَّعِيمُ الَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِنَا عَلَى الْعِبَادِ... وَ هِيَ النِّعْمَةُ الَّتِي لَا تَنْقُطُ» ما اهل بیت، آن نعمتی هستیم که خدا به سبب ما بندگان را نعمت داده است... و این نعمتی است که منقطع نمی شود. و سپس فرمودند: «... وَاللَّهُ سَائِلُهُمْ عَنْ حَقِّ النَّعِيمِ الَّذِي أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِمْ وَ هُوَ النَّبِيُّ وَ عِتْرَتُهُ»^۲ «... و خداوند از حق این نعمتی که به ایشان ارزانی داشته - یعنی پیامبر و عترت ایشان (علیه السلام) از آنها سؤال می کند.»

آیا ما به این حقیقت که نعمت امام (علیه السلام) مورد سؤال قرار می گیرد، توجه داریم؟ آیا برای اینکه خدای عزوجل ما را با امام زمان خود آشنا ساخته است، تاکنون سجده شکر به جا آورده ایم؟ آیا اصلاً ایشان را به عنوان نعمت می شناسیم؟ اگر معرفت شایسته ای به آن حضرت پیدا کنیم، آنگاه ایشان را بزرگ ترین نعمت خداوند در زندگی خود می شماریم و بیش از هر نعمت دیگری درصدد شکرگزاری نسبت به وجود پربرکتش بر می آییم.^۳

قرآن کریم می فرماید: «وَاذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید، آن هنگام که با هم دشمن بودید، پس خدا میان دل های شما اُلفت، برقرار کرد، و به سبب نعمت او با هم برادر شدید، و (آنگاه که) بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خدا شما را از آن نجات داد).

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۲، ح ۵.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۶۳، ح ۱۵.

۳. نعمت امامت (علیه السلام)، سید محمد نبی هاشمی، ص ۱۲۵.

۴. سوره آل عمران آیه ۱۰۳.

خداوند عزوجل اشاره به نعمتی می‌کند که به واسطه آن، بین مردم صلح و آشتی برقرار کرده، و آن‌ها را از خطر هلاکت در آتش نجات داده است. امام صادق (علیه السلام) در معرفی این نعمت فرموده‌اند: قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا بِمُحَمَّدٍ ﷺ»

یعنی خداوند به برکت حضرت رسول اکرم ﷺ مردم را از هلاکت نجات داده است. پس نعمتی که در آیه شریفه «یاد کردن» از آن واجب شده، وجود مقدس پیامبر خدا ﷺ است.

مشرکان مکه، از نخستین کسانی بودند که سفینه نجات بودن رسول اکرم ﷺ را چشیدند، چرا که به برکت ایشان از شرک و گمراهی نجات یافتند. سپس دیگران نیز به برکت وجود پیامبر ﷺ و امامان معصوم از فتنه‌های گوناگون رهایی یافته به مسیر هدایت راهنمایی شده‌اند.

قَالَ عَلِيُّ ﷺ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمِنَّا الْهُدَاةُ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ قَالَ: بَلْ مِنَّا الْهُدَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. بِنَا يَسْتَنْقِذُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ضَلَالَةِ الشِّرْكِ، وَبِنَا يَسْتَنْقِذُهُمُ مِنْ ضَلَالَةِ الْفِتْنَةِ وَبِنَا يُسَبِّحُونَ إِخْوَانًا بَعْدَ ضَلَالَةِ الْفِتْنَةِ، كَمَا بِنَا أَصْبَحُوا إِخْوَانًا بَعْدَ ضَلَالَةِ الشِّرْكِ»^۱

حضرت علی از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند: آیا هدایت‌کنندگان از ما هستند یا غیر ما؟ پیامبر اکرم فرمودند: هدایت‌کنندگان تا روز قیامت از ما هستند. خدای عزوجل، به برکت ما، آنها (مشرکان) را از گمراهی نجات داد. و به سبب ما از گمراهی فتنه نجاتشان می‌دهد و همان‌طور که بعد از گمراهی شرک، به وسیله ما با یکدیگر برادر شدند، پس از گمراهی فتنه نیز به وسیله

۱. روضه کافی ص/ ۱۸۳، ح ۲۰۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، باب ۲۲ ح ۳۱.

ما، با هم برادر می‌شوند.

اینجا از دو نوع گمراهی سخن گفته شده است: گمراهی «شرک» و گمراهی «فتنه» اولی مربوط به زمان بعثت رسول خدا ﷺ است و دومی مربوط به دوران بعد از رسالت ایشان و خصوصاً پس از رحلت آن حضرت هست. پیامبر ﷺ مشرکان را از شرک نجات دادند و آن‌ها را در حالی با هم برادر ساختند که به خون هم تشنه بودند.

اما پس از رسول خدا ﷺ مسلمانان گرفتار ابرهای تیره نفاق شدند و به فتنه دیگری گرفتار شدند. تنها راه نجات برای رهایی از فتنه‌هایی که در اعصار و قرون مختلف دامن‌گیر مسلمانان می‌شود تمسک به رشته هدایتی است که خود پیامبر ﷺ آن را معرفی فرموده و هدایت و نجات را در آن منحصر دانسته‌اند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» همگی به رشته الهی تمسک کنید و پراکنده و جدا نشوید.

از پیامبر خدا ﷺ پرسیدند: این رشته الهی چیست که در قرآن، امر به تمسک به آن شده است؟ ایشان لحظاتی سر مبارک را پایین انداختند و سپس سر را بلند کردند و با اشاره به حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمودند: «هَذَا حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي مَنْ تَمَسَّكَ بِهِ عُصِمَ فِي دُنْيَاهُ وَلَمْ يَضِلَّ فِي آخِرَاهُ» این است رشته الهی، که هر کس به او تمسک جوید، در دنیا محفوظ می‌ماند و در آخرت گمراه نمی‌گردد.

کسانی که به این رشته الهی چنگ زده‌اند، با همه وجود یافته‌اند که این «نعمت» بزرگ خداوند است. بعد از معرفت قلبی، وظیفه خود می‌دانند که

۱. سوره آل عمران آیه ۱۰۳.

۲. تفسیر کنز الدقائق / ص ۱۷۸.

برای شکر نعمت، ذکر آن را بر قلب و زبان خود جاری سازند و بگویند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۱

خداوند متعال در آیات دیگر نیز، نعمتی را که «ذکر» آن واجب است، به ما شناسانده است: «وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ»^۲

نعمت خدا بر خودتان و پیمان او را که از شما گرفته است یاد کنید.

کدام پیمان است که خدای سبحان در آیه کریمه، به یاد کردن آن امر کرده است؟ امام صادق (علیه السلام) در دعای روز غدیر این پیمان را چنین شناسانده اند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوفِينَ بِعَهْدِهِ إِلَيْنَا وَمِيثَاقِهِ الَّذِي وَاثَقَنَا بِهِ مِنْ وَلَايَةِ وَلاَةِ أَمْرِهِ»^۳

خدای را سپاس که ما را به سبب این روز، گرامی داشت، و ما را از وفا کنندگان به عهد خود و از وفاداران به پیمان خود درباره ولایت والیان امرش، قرار داد.

بنابراین میثاقی که به «ذکر» آن امر شده ایم، عهدی است که درباره ولایت امیرالمؤمنین و انمه اطهار (علیهم السلام) گرفته شده است. بعلاوه، امام زمان (علیه السلام) به طور خاص به عنوان «میثاق الله» معرفی شده اند، همان طور که در زیارت آل یاسین می خوانیم: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَكَدَّ» سلام بر تو، ای میثاق خدا که از آن پیمان گرفته، و مورد تأکیدش قرار داده است.

پس بندگان خدا- به حکم عقل و با تأکید امر الهی- موظف به «ذکر»

۱. مفاتیح الجنان، عباس قمی، اعمال روز غدیر.

۲. سوره مائده آیه ۷.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۱/ ص ۶۰۰، ح ۸۸.

۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۶.

امام زمان علیه السلام هستند.

خدای متعال علاوه بر تذکر به لزوم «ذکر» اهل بیت علیهم السلام به طور مطلق، در مورد ذکر زبانی و آشکار کردن یاد آن‌ها نیز - به طور خاص - فرموده است: «وَأَمَّا بِنِعْمَتِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^۱. نعمتی را که خداوند امر به بازگو کردن آن نموده، چیست؟ حضرت صادق علیه السلام در پاسخ به این پرسش می‌فرماید: «فَحَدِّثْ بِدِينِهِ»^۲ پس در این آیه، مقصود از نعمت، «دین» خداست و در یکی از زیارات، خطاب به امام عصر علیه السلام می‌خوانیم: «الْأَسْلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدِّينِ الْمَأْثُورِ»^۳ بنابراین برای شکر نعمت خدای عزوجل باید ذکر صاحب دین او - یعنی امام زمان علیه السلام - را آشکار کنیم.

کسی که شهد محبت حضرت در وجودش جای گرفت، هیچ‌گاه زبان خود را از یاد ایشان خالی نمی‌گذارد. برای او، غیبت امام زمان علیه السلام مانعی برای یاد و تذکر حضرتش نیست. خدای تعالی می‌فرماید: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ بِنِعْمِهِ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^۴ نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما به تمام و کمال رساند.

امام کاظم علیه السلام نعمت باطنی را امام غایب معرفی کرده، فرمودند: «يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ، وَلَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ»^۵ شخص ایشان از چشمهای مردم پنهان می‌شود ولی یاد ایشان از دل‌های مؤمنان پنهان نمی‌گردد.

۱. ضحی/ ۱۱.

۲. اصول کافی، کتاب الايمان والكفر، باب الشكر، ح ۵.

۳. بحار الانوار ج ۱۰۲، ص ۱۰۱، ح ۱۱۰.

۴. لقمان/ ۲۰.

۵. کمال الدین باب ۳۴، ح ۶.

کسی که قلبش مالا مال از محبت امام زمان علیه السلام گشته است، زبانش هیچ گاه از یاد ایشان خالی نمی ماند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «ذِکْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ^۱» یاد کردن علی علیه السلام عبادت است.

کسی که امیرالمؤمنین را به قلب یا زبان خویش یاد کند، عبادت خدا کرده است. جاری کردن نامهای امامان بر زبان از مصادیق بارز بندگی است. برای شکر نعمت امام علیه السلام در مرتبه اول باید در مجالس مختلف، نام ایشان و اطلاعاتی - حتی در حد معرفت به اسم - به دیگران یادآوری شود.

مرتبه بالاتر ذکر زبانی، بیان اوصاف و فضایل ایشان است. هر کس که درجه ای از معرفت امام نصیب او شده و وصفی از اوصاف ایشان را شناخته، باید آن را برای دیگران بازگو کند و به ذکر فضایل ایشان پردازد^۲. اما خدای مهربان به سبب محبت اهل بیت علیهم السلام، بر ذکر زبانی ایشان فضیلت بسیاری مترتب کرده است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هیچ گروهی در کنار هم جمع نمی شوند که فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام را یاد کنند، مگر اینکه فرشتگان آسمان بر آنها نازل می شوند تا آنها را در بگیرند. وقتی آنها پراکنده شوند، آن فرشته ها به آسمان روند. (گروه دیگری از) فرشتگان به آنها می گویند: بوی خوشی از شما به مشام ما می رسد، که از ملانکه نمی بوییم، و هیچ بوی خوشی بهتر از آن ندیده ایم.

می گویند: ما نزد گروهی بودیم که از محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام یاد می کردند و از بوی خوش آنها معطر شدیم. می گویند: ما را نزد ایشان ببرید.

۱. وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۵۶۸، ح ۹.

۲. نعمت امام علیه السلام، دکتر سید محمد بنی هاشمی ص ۱۸۵ - ۱۹۰.

می‌گویند: مجلس تمام شده و هر کدام به منزل خود رفته‌اند.
 می‌گویند: ما را به آنجا ببرید تا از مکان آنها معطر بشویم. آری، مکانی
 که در آن از فضایل اهل بیت علیهم‌السلام گفته شود، بوی خوشی پیدا می‌کند که
 فرشتگان آسمان، آن را می‌بویند. کسانی که ارزش چنین مجالسی را
 می‌دانند، می‌کوشند تا به هر وسیله‌ای از آن بهره برده، از فیض آن بی‌نصیب
 نمانند.»^۱